

# مُغَلَطَاي و کتاب سیره او

○ محمود حیدری آقایی

## مقدمه

سیره رسول خدا(ص) از دیر باز مورد توجه مسلمانان بوده و بخش مهمی از تاریخ صدر اسلام به آشنایی با سیره ایشان اختصاص دارد. مورخان پیوسته به آن پرداخته و کتاب‌های میسوط یا مختصری در این باب به خامه تحریر نگاشته‌اند. مغلطای از دانشمندان قرن هشتم هجری، هشت کتاب مفصل و مختصر در باره زندگانی و سیره رسول خدا(ص) دارد. سیره مغلطای یکی از آنها و شرح کوتاهی از حیات خاتم پیامبران(ص) است.

## معرفی کتاب

نام کتاب الاشارة الى سيرة المصطفى و تاريخ من بعده من الخلفاء تأليف مغلطای بن قلیج، معروف به «سیره مغلطای»، تحقیق محمد نظام الدین الفُتَیح نشر دارالقلم و الدار الشامیه، بیروت، ۱۴۱۶ هـ / ۱۹۹۶ م. چاپ اول، ۱ جلد، ۶۶۵ صفحه است. کتاب حاضر مشتمل بر مقدمه محقق، دو بخش سیره نبوی، تاریخ خلفا و راهنما و فهرست‌های متنوع است. بخش دوم کتاب تاریخ خلفای نخستین را تا آغاز خلافت متوکل دوم عباسی به سال ۷۶۳ هـ. ق به اختصار بازگو می‌کند.

## مؤلف

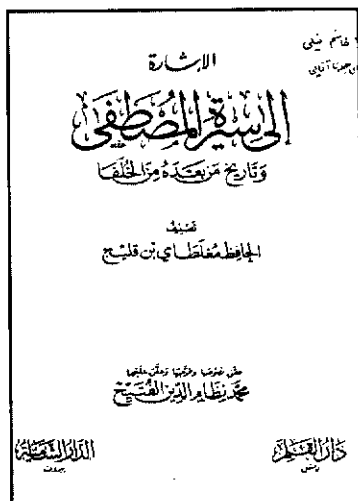
علاءالدین ابوعبدالله مُغَلَطَاي بن قلیج بن عبدالله بکجری حکری (۶۸۹ - ۷۶۲ هـ)، محدث، لغوی، شاعر، نسایه ترک نژاد، در مصر متولد، و رشد و نمو یافت و در همانجا وفات کرد. او مذهب حنفی داشت و در تحصیل از همان کودکی سخت کوش و جدی بود. وی را به «دائم الاشتغال» در درس، بحث و مطالعه وصف کرده‌اند. مغلطای، لغت شناس فریدی بود که کتاب‌های فصیح

## تالیفات

در مقدمه کتاب، سی و یک اثر مهم وی با توضیحات مختصری نام برده شده که هشت کتاب از آن میان درخصوص سیره است. این آثار عبارت‌اند از: اصلاح بن الصلاح (حدیثی)، الاعلام بستنه علیه السلام (شرح سنن ابن ماجه) (حدیثی)، التلویح فی شرح الجامع الصحیح (حدیثی)، ترتیب صحیح ابن

ثعلب و متحفّظ ابن خوبی را از حفظ داشت و تعلیقات او بر اشتقاق ابن‌درید گواه آن است. ابوالفضل عراقی در پاسخ ابن حجر، مغلطای را به انساب از ابن کثیر، ابن رافع و حسینی، آگاه‌تر معرفی کرده است.

محقق کتاب در مقدمه، مشایخ او را چهارده تن نام برده که از آن جمله‌اند: ابن‌دقیق العید، نورالدین وافی، دبوسی، ابن شحنه، ابوالمحاسن ختنی، کردی و ابن الطباخ. همچنین او را ملازم جلال‌الدین قزوینی دانسته‌اند. ابن حجر عراقی، رحوی و اسماعیل حنفی شاگردان او بوده‌اند. وی در روز سه شنبه، بیست و چهارم شعبان سال ۷۶۲ هـ. ق در قاهره بدرود حیات گفت.



**«مغلطای» از دانشمندان قرن هشتم هجری، هشت کتاب  
مفصل و مختصر درباره زندگی و سیره رسول خدا(ص)  
دارد. «سیره مغلطای» یکی از آنها و شرح کوتاهی از حیات  
خاتم پیامبران(ص) است**

حیان (حدیث)، زواند ابن حبان علی الصحیحین (حدیثی)،  
شروخی بر سنن ابن داود، ابن ماجه و صحیح بخاری، (حدیثی)،  
ترتیب المبهمات علی ابواب الفقه (فقهی)، الاحکام، (فقهی)،  
ترتیب المبهمات علی الروضه فی الفروع (فقهی)، اکمال تهذیب  
الکمال (رجال)، اوهام الاطراف (رجالی)، اوهام التهذیب (مختصر  
اکمال تهذیب الکمال) (رجالی)، ترتیب بیان الوهم لابن القطان  
(رجالی)، ذیل علی تکملة الاکمال لابن نقطه (رجالی)، ذیل علی  
کتاب الضعفاة لابن جوزی (رجالی)، ذیل علی تکملة اکمال  
الاکمال للصابونی (رجالی)، ذیل علی تکملة الاکمال لابن  
سلیم (رجالی)، من وافقت کنبته اسم ابیه للخطیب (رجالی)، الزهر  
الباسم فی سیره (سیره)، القاسم(ص) (سیره)، الاشارة الی سیره  
المصطفی و تاریخ من بعده من الخلفاء (در سیره)، الخصائص  
النبویة (سیره)، دلایل النبوه (سیره)، معجزات الرسول(ص)  
(سیره)، شرح روض الانف سهیلی (سیره)، أعلام النبوة (سیره)،  
التحفة الجسیمه لاسلام حلیمه (سیره)،

الاتصال فی مختلف النسبة، (انساب)، الایصال (لغت)، ألیس الی  
کتاب لیس (لغت)، الواضح المبین فیمن السششهد من المحیین  
(شعر).<sup>۲</sup>

**شیوه پژوهشی مغلطای در تألیف**

کتاب سیره:

کتاب سیره مغلطای در اواخر  
حیات وی به رشته تحریر در آمد و  
نزد علما مقبول افتاد. مغلطای  
این کتاب را برای خواص و  
دانشمندان نگاشت.<sup>۳</sup> عراقی،  
شاگرد وی در الفیه خویش  
سیره مغلطای را به نظم در  
آورد و همچنین شمس باعونی  
آن را در یک هزار بیت به نام

منارة الاسلام، من عرف

الله تعالی، فیمن

عرفه بامه

(انساب)،





بسیار کوتاه به نیش قلم اشاره رفته است.

مؤلف هدف خویش را از نگارش این اثر در مقدمه کتاب چنین گفته است: «به توصیه دوست عزیز خویش جلال الدین قزوینی (۷۳۹ هـ) - قاضی القضاة مصر و شام - کتاب مختصر و پرفایده‌ای نگاشته است. کتابی که خلاصه‌نویسی در آن اصل بوده و به دور از ذکر شواهد و زیاده‌نویسی و اقامه ادله و استدلال، و برای مسلمانان مفید است. بخش بزرگی از این کتاب در واقع خلاصه‌ای از کتاب دیگر مؤلف الزهر الباسم فی سیرة القاسم (ص) است و اطلاعات دیگری از منابع بسیاری بر آن افزوده است و گوید: در آغاز هر باب سخن مشهور را بر دیگر آراء مقدم داشته است.

متن اصلی کتاب حجم اندکی دارد اما کتاب حاضر با پاورقی‌ها و توضیحات، حجم مفصلی پیدا کرده است. محقق محترم زحمات فراوانی به جان خریده است. مقایسه متن کتاب با حواشی، گواه این مطلب است. در واقع تمام کتاب به اشارات و تذکرات کوتاه به حوادث، رویدادها و افراد و اعلام سپری شده است.

کتاب علاوه بر آنکه سیرة نبوی (ص) را دربردارد، مشتمل بر دلائل، معجزات، اخلاق و صفات، شمایل، فضایل و خصائص پیامبر (ص) است. فصل‌های کوتاهی نیز به همسران، کاتبان،

منحة اللیب فی سیرة الحیب به رشته نظم کشید. فاسی مکی (۸۳۲ هـ) صاحب عقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، تألیف بزرگ و حجمی به نام الجواهر السنیه فی السیرة النبویه دارد. در مقدمه آن به کتاب حاضر اشاره دارد و می‌گوید: من به این کتاب اعتماد کردم و از دیگر آثار فراوان در این باب صرف نظر کردم. زیرا این کتاب فوائد ارزشمند و نفیس بسیار دارد که در بسیاری از کتاب‌های مبسوط یافت نمی‌شود.

مؤلفان نامداری از جمله صاحبان مواهب اللدنیه، اتحاف الوری، سبل الهدی و الرشاد و تاریخ الخمیس از این اثر بهره برده‌اند و از وی به بزرگی یاد کرده‌اند. محقق کتاب سیرة مغلطای با ذکر ادله متعدد از ارزش و جایگاه رفیع این کتاب در میان دیگر آثار تاریخی و سیره‌نگاری یاد کرده است.

همان گونه که از نام کتاب الاشارة الی سیرة المصطفی و... برمی‌آید، در بردارنده گزارش‌های کوتاه است و کمترین اختصار را در انتخاب موضوعات به کار برده است. همه مطالب مهم و در خور اهمیت را دربردارد و بسیاری از جزئیات و ریزه‌کاری‌هایی که در کتاب‌های مبسوط و مفصل به آن پرداخته می‌شود در این کتاب با اشاره و کنایه و به صورت گزارش‌هایی

## «علاءالدین ابو عبدالله مغلطای» از امامان اهل بیت (ع) در «الاشتیغال» در درس، بحث و مطالعه وصف کرده‌اند. مغلطای، نعت سنان فریدی بود که کتاب‌های فصیح «ثعلب» و «متحفظ ابن حوسین» را از حفظ داشت و تعلیقات او بر اشتقاق البرز در گواه است

توجه زیاد به اجماع اهل تاریخ و سیره است. حتی در استدلال‌های خود نسبت به ردّ یا قبول گزارش‌ها، به اجماع اهل سیره استناد می‌کند. مثلاً فی ذلک نظر لاجماع اهل السیر علی خلافه (ص ۲۴۷، ۲۶۷). استفاده از حدیث و شواهد حدیثی برای تقویت یا تضعیف گزارش‌های موجود در روش استدلال وی مشهود است و شیوه خلاصه نویسی با حفظ نکات مهم و مفید و درج نظرات دیگر در سیره مغلطای شاخصه کار اوست.

### ویژگی‌های کتاب

۱- استفاده از قرآن: قرآن مهم‌ترین کتاب آسمانی و اصلی‌ترین سند تاریخی در سیره رسول خدا (ص) است. این مهم از نظر مغلطای دور نبوده و در موارد اندکی به آن پرداخته است. او در این گزینش و بهره‌مندی از تنوع کاربرد برخوردار نیست و تنها به شان نزول و زمان نزول آیه یا سوره‌ای اشاره کرده است. مثلاً: «...اللّه» (نساء: ۱۰۰) را هجرت حبیب بن ضمیره جندعی آورده (ص ۱۶۶) و آیه اولوا الارحام (انفال: ۷۵) را پایان مسئله مؤاخات دانسته است (ص ۱۷۸). در مجموع مؤلف ۲۸ مورد استناد و استشهاد و اشاره به زمان و شان نزول آیات قرآن را مورد استفاده قرار داده است. (به عنوان نمونه در صفحات: ر.ک: ص ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۶۶، ۱۹۴، ۲۲۵، ۲۵۲، ۲۵۸، ۲۷۵، ۲۷۸، ۳۰۴، ۳۱۳، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۷). در اواخر کتاب، در باب فضایل نگاری، از آیات و الفاظ قرآن بهره برده و فضایل پیامبر (ص) را تبیین کرده است. (ص ۲۲۴)

۲- حدیث در سیره مغلطای: علی‌رغم تبیحری که نویسنده در حدیث‌شناسی داشته، اما سیره خود را بر روش تاریخ‌نگاری حدیثی نگاهاشت و سیره مغلطای، بیشتر تاریخی منکی بر آثار مورخان کهن و معاصر مؤلف است تا بر گزارش‌های حدیثی. اما کتاب، در عین موجز و مختصر بودن، اطلاعات حدیثی خوبی در سیره گردآورده است. تعداد ۱۳۳ حدیث در بر دارد که البته ۴۷ حدیث آن تحت عنوان کلمات قصار پیامبر (ص) است. این حجم گسترده حدیث در کتابی این گونه خلاصه، گواه دانش مؤلف و توجه وی

خادمان، اشیاء، ابزار و ادوات نظامی و حتی چهارپایان پیامبر (ص) اختصاص یافته است. در ادامه کتاب، تاریخ خلفا در نهایت اختصار آورده شده است  
ارزش و اهمیت کتاب به بخش سیره آن است. به همین دلیل به سیره مغلطای، السیره المختصرة و یا السیره الصغری نامیده می‌شود.

کتاب با مقدمه کوتاهی در حمد و ستایش خداوند و نعت رسول او (ص) و بیان انگیزه و هدف مؤلف از تألیف کتاب آغاز می‌شود. متن کتاب با فهرستی از نام‌های پیامبر (ص)، کنیه و نسب شریف وی شروع شده و پیوسته تا آخر ادامه یافته است.

بر اساس تقسیم‌بندی‌های مرسوم در علم تاریخ‌نگاری اسلامی کتاب حاضر اثری است که سلسله‌ای از حوادث و رویدادها را به ترتیب توالی زمان وقوع آن‌ها، بدون ذکر زمان و سال وقوع آن، اما به ترتیب رخداد حوادث - و در موارد بسیار نادری با ذکر سال - آورده است. و در واقع حوادث پراکنده را در موضوع واحد به صورت پیوسته آورده است. هراز گاهی به مناسبت پایان یک بخش نامذکور، تعدادی از موالید را آورده است، در حالی که محور زمانی آن، سن و سال پیامبر (ص) است، مثلاً از ۱۵ تا ۲۰ سالگی (مغلطای، ص ۷۷)، از ۲۱ تا ۲۵ سالگی (همو، ص ۸۰)، از ۲۵ تا ۳۰ سالگی (ص ۸۷) و به همین ترتیب، افراد متولد شده و یا حوادث رخ داده را در این فواصل نام می‌برد. نمونه‌های از این تعبیر که اشاره به سال دارد فراوان است، مثلاً فی هذه السنة تزوج علی بفاطمه رضی الله عنهما (ص ۲۲۳) و فی هذه السنة ولد الحسین رضی الله عنه (ص ۲۴۵). البته عنوان‌هایی که مصحح و محقق بر کتاب افزوده شکل سالشماری بیشتری به کتاب داده است.

از سویی دیگر چون کتاب فاقد تحلیل و اظهار نظر است - جز در موارد نادر - طبعاً تاریخی - نقلی صرف است. کتاب فاقد استناد گزارش‌های آن به روایات یا سلسله روایان است هیچ جایی از کتاب به اسناد اشاره نکرده و کتاب را خلاصه کتاب پیشین خود معرفی می‌کند. تنها در آغاز بخش تاریخ خلفا مصادر کتاب را بیان کرده است.

شیوه پژوهش در این سیره، توجه به رأی مشهور مورخان و

## «مغلطای» در مقدمه کتاب سیره، از سی و یک اثر مهم خود با توضیحات مختصری نام برده که هشت کتاب از آن میان، در خصوص سیره است

به اهمیت حدیث است. مثلاً حدیث رأیت در خیبر از آن جمله است که مستندات و مستدرکی را به نقل از حاکم با ذکر نام ۱۴ راوی بر آن افزوده است. (ص ۲۸۵)

نمونه‌ای از اطلاعات حدیثی وی که در لایلای سیره به چشم می‌خورد عبارت است از استشهداهای وی به مجامع روایی و کتاب‌های حدیث اهل سنت در صفحات ۷۶، ۴۲۴، ۴۲۸ و ۴۳۶ و... از آن جمله: خَرَج الترمذی و حسنه و الحاکم و صححه (ص ۷۶)، و له فی الصحیح طرق (ص ۴۲۴)، و نیز به‌کارگیری تعابیری همچون: فیه ضعف (ص ۳۵۵ و ۳۵۶)، فضیف (ص ۳۵۸) و از این دست.

### ۳- فقه در سیره مغلطای: به

دلیل آگاهی‌های وسیع فقهی و حدیثی مؤلف، تأثیر آن علوم در تاریخ‌نگاری مغلطای مشهود است. مثلاً پس از گزارش از نماز پیامبر (ص) بر نجاشی، نماز بر قبر را مطرح کرده و راویان احادیث مربوط به آن را نام می‌برد. (ص ۱۲۲).

### به‌کارگیری تعابیری که در علم فقه و علوم وابسته آن

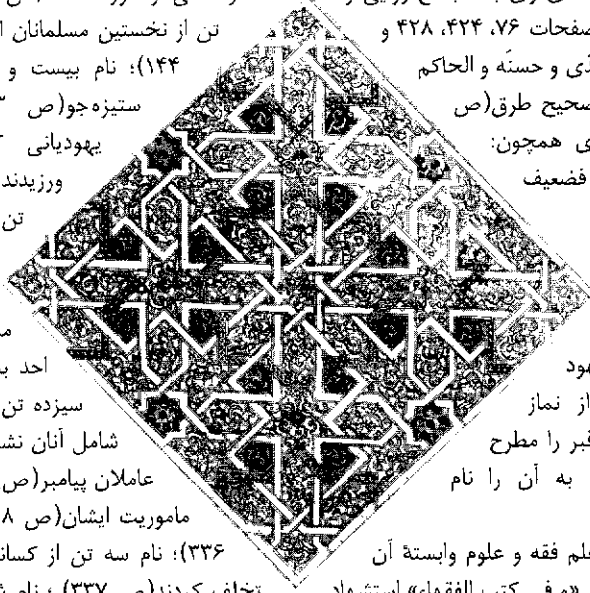
به‌کار می‌رود، برای نمونه با تعبیر «و فی کتب الفقهاء» استشهد به نقل‌های فقها کرده است (ص ۱۸۰). هم چنین در مواردی گوید: «قال اکثر الفقهاء...» (ص ۱۸۳). نیز برای اقامه نماز خوف شانزده صورت مطرح می‌کند و می‌گوید تمام این موارد جایز است و نماز خوف تنها نمازی است که خطا و سهو در آن جایی ندارد (ص ۲۴۶). گرچه موارد اندکی در این زمینه یافت شد اما نشانه‌گویی از تأثیرپذیری سیره‌نگاری او از فقه است.

۴- استفاده از فهرست و سیاهه نام‌ها: لازمه خلاصه‌نویسی، ارائه مجموعه‌ای از گزارش‌ها در قالب فهرست‌ها و آمار و ارقام است. مؤلف پنجاه و سه نام را از نام‌های سیصدگانه و یا هزارگانه‌ای که برای حضرت گفته‌اند، شمارش کرده است. محقق کتاب نیز ۱۰ مورد از آنها را با شواهد قرآنی قرین کرده است (ص ۴۳-۴۶). چهارده نفر را با نام محمد که پیش از تولد پیامبر (ص) می‌زیستند نام می‌برد (ص ۶۲). وی ده نام برای مکه آورده است. (ص ۵۵)

مؤلف به مناسبت‌های گوناگون فهرستی از نام افراد و شخصیت‌ها و... به دست می‌دهد مثلاً: نام پنجاه و یک تن از مسلمانان نخستین را به ترتیب می‌آورد (ص ۱۰۶ - ۱۱۱) و نام پانزده قبیله را که پیامبر (ص) در موسم حج آنان را به اسلام دعوت می‌کرد آورده است (ص ۱۴۲ - ۱۴۳). در ادامه نام یازده تن از نخستین مسلمانان از انصار را نام می‌برد (ص ۱۴۳ - ۱۴۴).

نام بیست و یک تن از یهودیان دشمن و ستیزه‌جو (ص ۱۸۳): اسامی هشت نفر از یهودیانی که مسلمان شدند و نفاق ورزیدند (ص ۱۸۴): نام بیست و هشت تن از منافقان اوس و خزرج (ص ۱۸۴ - ۱۸۵): نام یازده نفر از نوجوانان کم سن و سال مدینه از صفار صحابه که از غزوه احد بازگردانده شدند (ص ۲۳۵): نام سیزده تن از کسانی که عفو عمومی مکه شامل آنان نشد (ص ۳۰۹ - ۳۱۲): نام نه تن از عاملان پیامبر (ص) در امر جمع‌آوری زکات و محل ماموریت ایشان (ص ۳۲۸): نوزده تن از بکاوون (ص ۳۳۶): نام سه تن از کسانی که از حضور در غزوه تبوک تخلف کردند (ص ۳۳۷): نام شصت و نه هیات از وفود قبایل گوناگون (ص ۳۴۱): نام سی و هشت تن از خادمان (ص ۳۶۱ - ۳۶۶): شصت و یک تن از موالیان (ص ۳۵۷ - ۳۸۰): هفت تن از کنیزان (ص ۳۸۰ - ۳۸۱): نام چهل و دو تن از کاتبان (ص ۴۰۲ - ۴۰۴) و تعدادی از همسران پیامبر (ص) (ص ۴۰۵ - ۴۱۳): فهرستی از نام ابزار و ادوات نظامی، تیر، کمان، شمشیر، زره و تعدادی از آلات، وسایل و لباس‌های پیامبر (ص) (ص ۳۹۰ - ۴۰۱) و نام حدود سی رأس از چهارپایان و اسب و استر (ص ۳۸۳ - ۳۹۴).

۵- آمار و ارقام: مؤلف در مواردی به ذکر عدد و آمار در مقابل بیان فهرست و سیاهه اکتفا کرد، مثلاً آمار مربوط به غزوه بدر (ص ۲۰۰)، تعداد نیروها در غزوه خندق (ص ۲۵۹)، تعداد نیروها در غزوه غابه (ص ۲۶۷)، تعداد نیروها در غزوه خیبر (ص ۲۷۹ و ۲۸۰)، تعداد نیروها در غزوه فتح (ص ۳۰۷)، تعداد نیروها در غزوه تبوک (ص ۳۳۸)، تعداد معذورین از حضور در تبوک (ص ۳۳۶)، و موارد دیگری نیز وجود دارد.



## «عراقی» شاگرد «مغلطای» در «الفیة» خویش، سیره مغلطای را به نظم در آورد و همچنین «شمس باعونی» آن را در یک هزار بیت به نام «منحة اللیب فی سیره الحبیب» به رشته نظم کشید

به سختی آن را حرکت می‌دادند (ص ۲۸۰) - از دیگر اشارات کتاب است.

و محسن را از فرزندان فاطمه (س) نام برده است و گوید: وی در کودکی از دنیا رفت (ص ۱۰۱).

پس از نقل قصه غرائیق، احتمالاتی را در صورت صحیح بودن آن برای توجیه آورده است. (ص ۱۲۵-۱۲۶)

ابوبکر را جزو مهاجرین به حبشه می‌شمارد با این توضیح که او پیش از خارج شدن از جزیره العرب در جوار رییس قبیله قاره به مکه بازگشت (ص ۱۲۷).

درباره معراج، با یادآوری پرسش‌هایی در مورد چگونگی و تعداد آن، به سیزده نظریه اشاره کرده است و از آنها پاسخ می‌دهد خود گوید: سخن صحیح این است که معراج جسمی و در حال بیداری و هوشیاری و مکرر و متعدد بوده و خداوند را با چشم ظاهری دیده است. (ص ۱۳۵-۱۳۹)

مسئله مبدأ تاریخ مسلمانان را به دستور پیامبر (ص) و از زمان هجرت می‌داند و آن را عام الاذن می‌شمرد (ص ۱۶۷).

۷- امتیازات کتاب سیره مغلطای: خلاصه بودن، جمع‌آوری نظرات مشهور در هر باب، ذکر منابع و حذف شواهد و استدلال، از جمله مهمترین ویژگی‌های کتاب است. تعدادی از امتیازات توضیح داده می‌شود.

### گردآوری نظریه‌های مختلف:

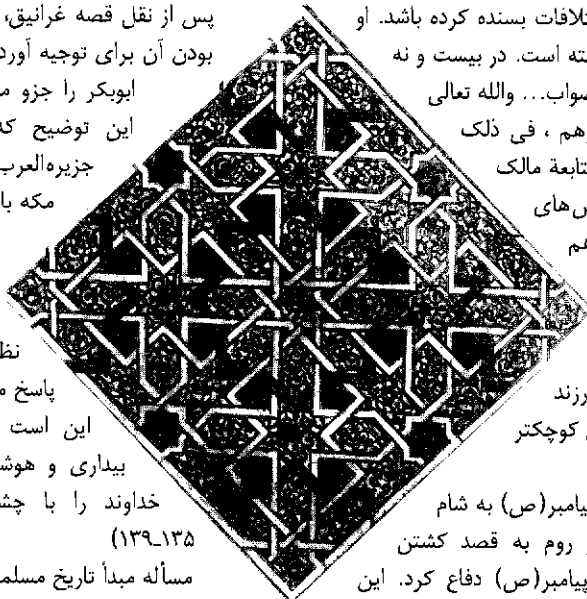
کتاب در عین موجز بودن، اختلاف نظرهای بسیاری را در بر دارد، از جمله: در مورد نخستین کسی که دبة نفس را وضع کرد (ص ۴۹)، در مورد نام عبدالمطلب و هاشم (ص ۵۱)، در وجه تسمیه قریش (ص ۵۱)، اختلاف نظر در باره تاریخ تولد پیامبر (ص) را به چهارده قول رسانده است (ص ۵۹)، و در باره مدت حمل آمنه پنج رأی را آورده است (ص ۶۱). در باره زمان وفات عبدالله پدر پیامبر (ص) پنج قول نقل کرده است (ص ۶۳). سن حضرت را

۶- اظهار نظرات مؤلف: مؤلف در مقدمه خویش به این مسأله تصریح نموده که در هر باب، ابتدا نظر مشهور را خواهد آورد. وی از اظهار نظر خودداری کرده و ممکن است همان نظرات مشهور را پذیرفته و در ادامه تنها به ذکر اختلافات بسنده کرده باشد. او در پاره‌ای از موارد به داوری پرداخته است. در بیست و نه مورد با تعبیری همچون: «کان الصواب... والله تعالی اعلم، والصحیح، فیه نظر، فیه وهم، فی ذلک نظر، هو غلط، فیما قاله نظر لمتابعة مالک بن انس.» در تأیید و یا رد گزارش‌های نقل شده قضاوت کرده است. هم چنین در جریان ذبح عبدالله که مشهور است او کوچک‌ترین فرزند پدرش بود، گوید: صواب این است که او کوچک‌ترین فرزند مادرش بود و حمزه و عباس از وی کوچکتر بودند (ص ۴۷).

مؤلف گوید: در جریان سفر پیامبر (ص) به شام در منطقه بصری، هفت نفر از روم به قصد کشتن پیامبر (ص) آمدند و بحیری از پیامبر (ص) دفاع کرد. این سخن را با تأییدی از ترمذی و حاکم نیشابوری آورده است. ناگفته نماند که مؤلف به این گزارش دو اشکال وارد کرده است (ص ۷۶ و ۷۷).

در مورد امام علی (ع) اطلاعات و فضایی ذکر کرده و نقش حضرت را در برخی موارد یاد نموده که از آن جمله قدمت اسلام امام علی (ع) بر دیگران است. البته با توجه به سن نوجوانی امام آن را توجیه می‌کند. حضرت خدیجه (س) و ابوبکر را نخستین مسلمانان می‌شمرد و با اشاره به قولی گوید: امام علی (ع) را نخستین مسلمان گفته‌اند. یک بیت شعر را از امام که در آن به سبقتش در اسلام تصریح کرده است، نقل می‌کند و در ادامه نام پنجاه و یک تن از نخستین مسلمانان را به ترتیب می‌آورد (ص ۱۰۶-۱۱۱).

داستان لیلۃ المیبت (ص ۱۵۳)، ردّ شمس را برای امام علی (ص) می‌داند (ص ۱۴۰). سپردن پرچم به دست امام علی (ع) در خیبر (ص ۲۵۸) و کندن در خیبر توسط آن امام - که هفتاد نفر



## «ابوالفضل عراقی» در پاسخ «ابن حجر»، مغلطای را به انساب از

### «ابن کثیر»، «ابن رافع» و «حسینی» آگاه‌تر معرفی کرده است

مجموعه‌ای از اوایل را گردآورده اما در کتاب پراکنده است و عنوان و یا جای ویژه‌ای ندارد. نمونه‌هایی از آن بدین قرار است: نخستین مسجد در اسلام (ص ۱۷۰)، نخستین سخنان پیامبر (ص) در مدینه (ص ۱۷۳)، نخستین مسجد را در مدینه که قرآن در آن قرائت شد مسجد بنی زریق معرفی می‌کند (ص ۱۴۳ - ۱۴۴)، نخستین منجنيق (ص ۳۲۳)، نخستین منبر رسول خدا (ص) (ص ۳۲۷).

مغلطای که خود شاعر دیوان بوده در این کتاب اشعار زیادی ندارد اما کتاب خالی از اشعار نیست و البته با توجه به مختصر بودن آن، مجموعه اشعاری که در آن به استشهد و استناد گرفته شده بالغ بر بیست و هشت بیت است (ص ۱۰۷، ۱۲۹، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۶۵).

کتاب از شرح لغات و وجه تسمیه افراد و شرح و توضیح در مورد مکان‌ها و اطلاعات جغرافیایی خوبی برخوردار است (ص ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۹۷، ۳۱۵، ۳۳۰).

#### اشاره به منابع و مصادر کتاب:

در بخش نخست، بسیاری از منابع خویش را در نقل اختلاف آراء با نام صاحب رأی و بعضاً با نام کتاب آورده است و مواردی را بدون سند گزارش کرده است. در بخش دوم کتاب که تاریخ خلفا است، مصادر کتاب را معرفی کرده است و گوید: تاریخ خلفای کتاب خلاصه‌ای از کتاب‌های تاریخ طبری، ابن مسکویه، ابن ابی‌الزهر، فسوی، خلیفه، ابن قانع، خطیب، ابن عساکر، ابن حبان، ابن اثیر، مسعودی، ابن جزار و سروجی است. بخش نخست کتاب فاقد اطلاعات فوق است و تنها به این که کتاب خلاصه‌ای از کتاب پیشین اوست، اشاره دارد.

#### کاستی‌ها:

مواردی که به عنان کاستی به آنها اشاره می‌شود، توجیه‌پذیر است و البته از باب خالی نبودن عریضه برشمرده شده است. کتاب فاقد تبویب و تقسیم‌بندی براساس بخش‌ها، فصل‌ها و عنوان‌های اصلی و فرعی است و محقق محترم نیز در حد

هنگام وفات مادرش آمنه و وفات عبدالمطلب شش گونه گزارش کرده (ص ۷۳ و ۷۴) و در باره نزول وحی یازده رأی ارائه کرده است (ص ۸۸). تحت عنوان خاتم نبوت و چگونگی آن، بیست و یک قول با استناد به مصادر آن بدون ترجیح دادن یکی بر دیگری آورده (ص ۶۸ - ۷۲) و در باره معراج سیزده نظریه را آورده است (ص ۱۳۵ - ۱۳۹).

مؤلف در معرفی برخی از افراد، از محدوده زمانی و ظرف گاهشمار خویش فراتر رفته و ازدواج، اسلام، جهاد و وفات آنان را به اختصار آورده است. پس از آن مباحث را ادامه می‌دهد. مثلاً در معرفی فرزندان پیامبر (ص) چنین کرده است (ص ۹۸ - ۱۰۴).

یکی از ویژگی‌های کتاب، ارائه مجموعه‌ای از اطلاعات در مورد حوادث و مولید و وقایع بر اساس سن و سال پیامبر خدا (ص) تحت عنوان (بعض الاحداث) است. (ر.ک: ص ۷۷، ۸۰، ۸۷، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۲۴، ۱۹۶، ۲۵۳، ۲۷۸ و ۳۴۷).

#### ارائه اطلاعات جانبی گوناگون و مفید:

نسب پیامبر (ص) را تا به حضرت آدم (ع) رسانده و کنیه آدم را ابوالبشر و ابومحمد آورده است. (ص ۵۲-۵۴) سرآغاز هجرت و ورود پیامبر (ص) به قبا را با چهار تقویم تطبیقی تاریخ، از آن جمله تقارن آن با چهارم تیرماه آورده است. (ص ۱۶۹)

به مناسبت هجرت مسلمانان به حبشه و نام نجاشی پادشاه آنجا، بحث مختصری را از القاب خاص شاهان و حاکمان هر مرز و بوم آورده است. نظیر نجاشی، امحری، خاقان، قیصر، بطلمیوس، نمرود، فغفور، فرعون و غیره. (ص ۱۱۷-۱۲۰) مجموعه‌ای از اقدامات پیامبر (ص) را در آغاز ورود به مدینه آورده است. (ص ۳۲۷).

بخش معجزات آن با استناد به منابع مهم و معتبر حدیثی از غنای خوبی برخوردار است (ص ۴۳۲-۴۴۳). «خصائص»، آخرین عنوان بخش سیره کتاب است و مؤلف آن را در چهار قسم واجبات، محرمات، مباحات و اختصاصات از فضایل و کرامات مطرح کرده است که سه قسم نخست بالغ بر ۴۰ خصیصه را در بر دارد. (ص ۴۴۴-۴۶۱)

## به دلیل آگاهی‌های وسیع فقهی، حدیثی «مغلطای» تأثیر آن علوم در تاریخ‌نگاری وی مشهود است

تقسیم‌بندی بخش، این کار را انجام داده است.

کمتراظهار نظر کرده و بیشتر به نقل‌ها و اختلاف‌ها پرداخته است مگر این که گزارش‌های مشهوری که در آغاز هر باب آورده نزد وی مقبول باشد.

مؤلف در بخش سیره کتاب به منابع و مصادر آن اشاره نکرده است، هرچند در لابلای نقل‌های خود از آثار و کتاب‌ها و نیز مورخان نام برده است.

کتاب فاقد سالشمار صریح و روشن است و حوادث را بدون ذکر سال نام می‌برد. مثلاً آورده است که «فی هذه السنة تزوج علی بفاطمة رضی الله عنهما» (ص ۲۲۳) و یا «فی هذه السنة ولد الحسين رضی الله عنه» (ص ۲۴۵) اما مشار الیه را روشن نکرده است و یافتن آن قدری تکلف‌پذیر است.

از برخی عنوان‌هایی که مؤلف آورده است این گونه استفاده می‌شود که مباحث ذیل آن مربوط به آن عنوان باشد اما اطلاعات تاریخی خارج از آن عنوان نیز درج شده است و در واقع جامع و مانع نبودن عناوین کتاب نقص تلقی می‌شود.

در اثنای غزوات و سرایا پس از نقل جریان سربه عمیر در کشتن عصماء بنت مروان و قبل از غزوه قرقره الکرد تعداد چهل و هفت جمله کوتاه و بدیع از سخنان حکمت‌آمیز و حکمت‌آموز پیامبر (ص) را آورده است. (ص ۲۰۲ - ۲۱۷) اگر لازم باشد اشاره به نمونه گفتار کنند در آخر مباحث و زندگی‌نامه جایی به آن اختصاص می‌دهند چنان که یعقوبی خطبه‌های پیامبر (ص) و مواعظ حضرت را جداگانه آورده است. (یعقوبی، ج ۲، ص ۸۹ - ۱۱۲)

در نقل برخی از گزارش‌ها رعایت ترتیب زمانی نشده است مثلاً به کارگیری منبر در مسجد را از نخستین اقدامات پس از هجرت شمرده است و نیز آن را پس از حوادث پنج ماه نخست هجری، در سال اول هجری آورده است. (ص ۱۷۵ - ۱۷۸)

بحث از منبر را در دو جای کتاب آورده است مثلاً به کارگیری منبر را در مسجد از نخستین اقدامات پس از هجرت شمرده است (ص ۱۷۵ - ۱۷۸) و در جایی دیگر از آن به عنوان نخستین منبر ساخته شده در اسلام پس از سربه ضحاک در اواخر سال

هشتم هجری یاد کرده است (ص ۳۲۷).

### کار مصحح کتاب

محقق و مصحح محترم، محمد نظام الدین الفتیح، با استفاده از پنج نسخه مختلف به تصحیح و مقابله کتاب پرداخته و تعلیقات مفصل وی در شرح و توضیح کتاب ارزشمند است. اعراب‌گذاری کلمات مشکل، اعلام و اماکن و شرح حال افراد مذکور در متن از کارهای مهم اوست.

محقق محترم در انتخاب برخی از عناوین و یا گزارش‌های تحت آن در موارد نادری تناسب را رعایت نکرده است. نظیر (حادثة شق الصدر) که پس از آن گزارشی در باره تولد پیامبر (ص) آورده، سپس رویداد شق الصدر را آورده است (ص ۶۷). پس از عنوان (اول منبر فی الاسلام) گزارش مربوط به دریافت جزیه از مجوس هجر را آورده و سپس به گزارش مربوط به منبر پرداخته است. (ص ۳۲۷)

البته محقق عنوان‌هایی بر کتاب افزوده است که شکل سالشماری بیشتری به کتاب داده است. در پایان مجموعه‌ای راهنما و فهرست‌های متنوع در ۹۰ صفحه ارائه کرده است.

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- به فتح و ضم و سکون عین ضبط شده است. مغلطای بن قلیح سیره مغلطای، تحقیق: محمد نظام الدین الفتیح، بیروت نشر دارالقلم والدار الشامیه، چاپ اول ۱۴۱۶/۱۹۹۶ م، مقدمه محقق، ص ۷.
- ۲- به فتح و کسر قاف و با جیم و حاء آخر ضبط شده و معنای آن شمشیر است. همان.
- ۳- تاریخ تولد وی را سال‌های ۶۸۹، ۶۹۰ و بعد از آن گفته‌اند. همان.
- ۴- همان، ص ۱۱-۱۵.
- ۵- سیره مغلطای، ص ۴۲، وی گوید: لایستغنی عنها العالمون.

